

بهار کاستری



«بهار خاکستری» این کتاب مجموعه داستان‌های کوتاه کریم‌نادر است که از زمان عبور از سوی غلام‌شاهی اخیر به فرسی زبانه توسط کتاب‌تدوینی به سبب یافته است این کتاب چند نفاذی زندگانه است. مستحسن و بی‌مقدمه به هر جهت بنیادی افزوده شده است. غلام‌شاهی در آمد در کتاب به زندگی و زمانه استاد زکریا

یک اتفاق ساده دیگر

راز نویسنده مر موز دخترهای سبز شاندل!



دکتر علی شریعتی در کنار همسرش، دکتر پوران شریعتی صوفی

بخش دوم
دهه پنجاه با کاستری هم‌عصر است. شخصیت‌ها از زبان او بیان می‌شوند، بناگاه، شخصیتی ملموس می‌یافتند. شخصیتی که کوی در امروز و اکنون شریعتی، گروهی از مذهبین سنتی، نگران از دست دادن جایگاه خود بودند. همان‌ها که سال‌ها، بسیاری از مضامین را در تیرول خود داشتند و حتی با افرادی همچون ابوالقاسم مطهری و علامه طباطبائی هم‌مینه‌ای نداشتند. این حال تا مدایی که شریعتی نیامده بود آنها از جانب ادیب‌نمائی همچون مرتضی مطهری احساس ناامنی نمی‌کردند. اما با ظهور شریعتی و گسترش دامنه نفوذ او در افکار مذهبی، آنها به خود آمدند تا برای او داستان‌هایی سر هم کنند. قصه‌شان بیرون راندن شریعتی از آن حریم بود. حریمی که آنها آن را در انحصار خود می‌خواستند.

نشاندر رسیده بودند به «شمع» شریعتی سال‌ها پیش از آنکه پایش به اروپا باز شود، در نثریات مشهده، شعرها و نوشته‌هایی را با نام نشاندر «شمع» منتشر کرده بود که گرفته از ابتدای سه کلمه شریعتی، ژرمنی‌ای، ولی بود. او حالا پس از بازگشت از اروپا با بسیاری از حرف‌های شاعرانمان در ترجیح داده بود که زبان شخصیت‌ها و نوسنده‌ای به نام شاندل نقل کند که در حقیقت خود او بود. او روزگاری درباره آن شعر و متفکر نوشته بود: «شاندل در تاریخ ۲ آوریل ۱۳۲۲ (۲۹ ژانویه) متولد شده است و در تاریخ ۹ اکتبر ۱۳۴۳ (تاریخی شمسی) در ساه‌های جان باخته است» شریعتی در توصیف شاندل نوشته بود: «حالا سبب بروز اش پیرس بین هم‌چنین ای‌ای هست یا نیست»

ایا یا

حاج آقا نمی‌پوشیدم. -حاج آقا که؟ -حاج آقا که! -مام‌جماعت مسجد محله‌مونه. -مادر این حاج آقا گفته که ایضا حاج‌به‌شما و اجاب نیست؟ چه درسه به اونکه پوشیدن این همه لباس و مقنعه و چادر سیاه تو این گرما و اجاب حاج ما؟ -استغفرالله! چه حرف‌ای می‌زنی مادر! چطور حاج‌به‌من من واجب نیست؟ -شما عجبی می‌پوشی؟ -نه نمی‌دونم. -در قسرا ان کس که الواعظن من السهه الا لانی لا یزوجون نکاحا فلینس غلبتهن جناح ان یضعن ثیابهن غیر شترجات بزینه و ان یستغفغن خیر لهن والله سمیع علیم؟ -خب یعنی چی؟ -یعنی اینکه بز زانی در سن رسا شماری نیستی مادر این کثربا چیچه که می‌گی؟ همچنین ای‌ای‌ای که تو قرآن بود که حاج آقا می‌باید گفت

حاج خانم! امسال که هنوز هوا خیلی گرم نشده -چطور گرم نشده! آتش گرفت! -حاج خانم، هوا امروز ۲۸ درجه است، خیلی گرم نیست به نظر من این چادر سیاه اینطور شما را گرم‌زده کرده رنگ سیاه، حرارت خورشید را به خودش جذب می‌کند، شما هم که الان این‌ساعته مقابله آفتاب تو این مانتین‌نشین. -این که نمی‌شناس کارش کتم مادر، حکم شرع، واجبه! -حکم شرع که نیست حاج خانم، اصلا پوشیدن لباس سیاه مکروهه. -با خاک مالها چی می‌گی مادر؟ خود حاج آقا داریم می‌گی که حاج کامل همین چادر سیاه! -حاج آقا لایق علاوه و نظر خورشید را می‌گی مادر، پوشیدن لباس سیاه کلام مکروهه، شاید به این دلیل که حرارت خورشید را جذب می‌کند و باعث گرم‌زدگی می‌شود، همین‌ها به این دلیل که کم‌دورتر رنگ، سبب کم‌دورتر خاطر و ملال و پژمردگی می‌شود. -اینا را تو از خودت داری در می‌زنی آقا اینطور بود

عکس نوشت



خبرگزاری ایرنا با انتشار مجموعه عکس‌های «تصور بسیاری از کار در دریا به ویژه کشتی‌های جنگی، نیروی دریایی در منطقه در راهای از سمت: حال آنکه در کشتی‌ها به ویژه کشتی‌های نظامی فعالیت‌های بسیاری حین روز و شب در جریان است تا یک کشتی بتواند به سلامت و جان دریا بیرون بیاید و در وقت حاد به نیز بتواند از خود و اکتش مناسب‌نشان دهد. مجموعه زیر، تصاویری است از برخی فعالیت‌های جاری در ناوشکن‌ها نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که طی آن چند عملیات در جمله سوختگیری در دریا، تمرین زوم و کنترل صدمات... تمرین شده است»

اعتقاد

info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir

این تبانه اخلاقی حرف‌های روزنامه اعتقاد را بر سایت خود ایجاد

■ صاحب امتیاز و بنیانگذار: ابوالباس حضرتی
■ مدیرمسئول: بهروز بهزادی
■ مدیرعامل: علی حضرتی
■ معاون اجرایی: طهمت‌الماسینی
■ مشاور: منیر سجول، مجتبه حضرتی
■ نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کوثر، دوم، پل دست منو
■ تلفن: ۰۲۵-۶۶۱۲۳۰۰ | ۶۶۱۲۳۰۰ | ۶۶۱۲۳۰۰
■ فکس: ۶۶۱۲۳۰۰ | ۶۶۱۲۳۰۰
■ چاپ: هفتشنبه، ۲ | نشانی: ۶۶۲۳۲۳۲۳۲۳۲۳۲۳۲۳

انفال: ظهر ۱۷ | غروب آفتاب: ۱۹/۱۲ | انان مغربه: ۱۹/۴۴ | انان صبح فردا: ۲۱/۲ | طلوع آفتاب فردا: ۲۱/۲

تیسر مصور | صلحی برای او کرا این نیست



امروز در تاریخ

گرگ و جنگل، پرونده مرگ گورگی

پرونده مرگ در راهی استانبول را در کمدن همان کاری که لنین کردید در معانی تلویحی نوشته‌های عمومی گورگی می‌توان به بهترین فرزند و به زیم استانبولی پی برد. برای مثال قاتلان علی‌قلینس می‌توان به محکومیت همه انواع حکومت‌های نوابلیتر، چه اروپا و چه در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، تغییر کرد - در حالی که از آنچه نوشته‌های خصوصی‌ان به جامانده‌اند نول در میان نشریات استانبول نقل شد پس از مرگ گورگی، در میان و اعتبارش برای هر کاری، حتی تغییر حکم حبس و اعدام افراد استفاده‌کننده‌ها، از نظر حزب‌حاکم پولیس مخفی - که از آن استانبول، ایک‌یک غول‌انگسبیه کرده بود - تبلیغات و چادری ترس ایجاد می‌پوشاند. پان‌دها بود: «در نگاه بسیاری، گورگی نه فقط نویسنده و افکار به حکومت زمان را به پان‌ها نبرد از چند ماه قبل، قبش زمرست کار نمی‌کرد و مشکلات ریوراش نیز نبود کرده بودند. مقدمه ژورنل ثبت کرد چون او را دور بود در گذشته بیشتر، اطرافیانش دیدند و نیز شهامت دادند که به هر طبع طبیعی فرد و بیماری‌های مزمنی که داشت از آنضعیف‌تر شدند. گورگی در سن ۱۹۲۳ مرد و سال‌ها بعد، در ۱۹۶۳ زمانی که همسرش یک‌تار پنا در پاره مرگ او برسیدند، گفتند «مطمئن است شوهرش ارگشته‌شد، خلی‌ها این حرف یک‌تار پنا را باور کردند چون، نمی‌دانستند گورگی در سال‌های پایانی عمرش با حکومت شوروی به مشکل بر خورد و از استانبول برده است. اول‌اندو فاجیس در کتاب «تراتیژی مردم» می‌نویسد: «آخرین سال‌های که گورگی عمر را در شوروی در حبس بود، خاری بود در چشم استانبول به کیش شخصیت استانبول معترض بود پس از ظهور می‌های بسیار باختر به خود گزار داد پیشنه‌ها هرگز معلوم نشود»



مرتضی حضرتی

